

یادبود

تلاش وامید تا آخرین دقیقه

● جایزه مهرگان نیز درگذشت اسکندر فیروز را تسلیت گفت.
اسکندر فیروز رئیس هیئت داوران جایزه مهرگان علم بود. علیرضا زرگر، مدیر جایزه مهرگان از سوی خود، هیئت‌های داورى جایزه مهرگان علم و ادب و دبیرخانه جایزه، درگذشت مهندس اسکندر فیروز، رئیس هیئت داوران جایزه مهرگان علم و بنیان‌گذار سازمان حفاظت محیط زیست ایران را تسلیت گفت.

اسکندر فیروز بی‌تردید یکی از سرسخت‌ترین مدافعان حیات وحش و طبیعت ایران بود و در این‌ راه همه مصائب و دشواری‌ها را به جان خرید. اسکندر فیروز از سال ۱۳۸۰ تا آخرین روز عمر خود در ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۸ (۳۰ مارس ۲۰۲۰) به مدت ۱۸ سال ریاست هیئت داوران جایزه خصوصی و مستقل مهرگان علم را بر عهده داشت و به مدد دانش و تجربه کم‌نظیر خود کمک کرد بهترین کتاب‌های زیست‌محیطی و اثرگذارترین تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیست ایران شناخته و برگزیده شوند.

علیرضا زرگر با اشاره به وجوه ممتاز شخصیت، دانش و میهن‌دوستی این بزرگمرد عرصه طبیعت و حیات وحش ایران نوشته است: بهار امسال بود که به دعوت دبیرخانه جایزه مهرگان علم قرار گذاشتم که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از مصائب محیط زیست ایران سخن بگویم. اما اعلام نام او در میان سخنرانان نشست مهرگان علم سبب شد در آخرین دقیقى و به رغم هماهنگی قبلى با مسئولان نمایشگاه همه نشست‌های علمى و ادبى جایزه مهرگان لغو شود. افسوس که پیرمرد پرامید ایران توانست برای آخرین بار در میان مردم وطنش از محیط زیست ایران، از جلوه‌ها و دردهای طبیعت سرزمین مادری‌اش سخن بگوید. سخت رنجید؛ حق داشت؛ جفا و بی‌تدبیری تا کی و تا کجا؟ ۸۳ سال سن و بیش از ۷۰ سال خدمت صادقانه به محیط زیست ایران دیگر رمقى نداشت. مدتی بود برای ادامه حیات و برپاییستادن ناگزیر به تزریق خون بود و با این همه علاقه داشت که در جلسه مهرگان علم با مردم از نزدیک سخن بگوید، دریغ که نگذاشتند او و دو شاگرد برجسته‌اش مهندس هوشنگ ضیائی و دکتر اسماعیل کهرم سخنرانی کنند. چند روز بعد از این ماجرا با خاطری آزرده برای مداوا به آمریکا سفر کرد و در نهایت سیزدهم اسفندماه ۱۳۹۸، مقارن با روز جهانی حیات وحش، در شهر واشنگتن چشم از جهان فرو بست. خصلتی از او که بیش از همه به یاد من و داوران جایزه مهرگان علم خواهد ماند، موجز، شمرده و مستدل سخن گفتن اوست؛ حرف‌هایی که از شناخت و عشق او به سرزمین مادری حکایت داشت. کارنامه درخشان زندگی او در کنار همسر همراه و یگانه‌اش بانو ایران‌علا، و شاگردان ممتازش که امروز هر کدام تکیه‌گاهی برای طبیعت و حیات وحش ایران هستند، از یکسو و اجرای دهه‌ها طرح و پروژه بزرگ زیست‌محیطی و مسئولیت‌های مهم از جمله بنیان‌گذاری و مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست، پارک‌های ملی، مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش ایران، معاونت کنفرانس جهانی محیط زیست استکهلم و تدارک کنوانسیون جهانی رامسر برای حفاظت از تالاب‌های بین‌المللی اسکندر فیروز را به شخصیتی پیشگام در محیط زیست تبدیل کرده است.

امیدوارم آنان که در همه این سال‌ها موجب رنج اسکندر فیروز و لطمه به محیط زیست ایران شده‌اند، به خود آیند و تقاضا کنند تا جسم بی‌جان او به سرزمین مادری‌اش برگردد. در برابر بزرگ، اراده و وطن‌دوستی اسکندر فیروز سر تعظیم فرود می‌آوریم.

روزنامه

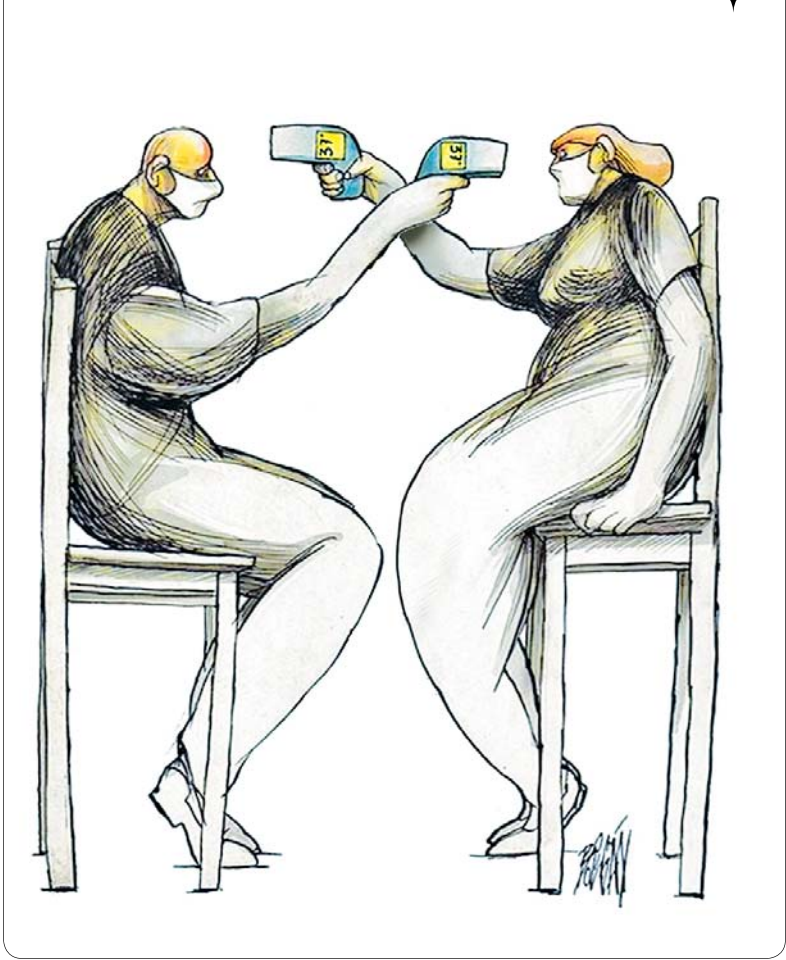
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۸
۱۴ رجب ۱۴۴۱
۹ مارس ۲۰۲۰
سال هفدهم
شماره ۳۶۶۵
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵
اذان مغرب ۱۸:۲۵
اذان صبح‌فردا ۴:۵۹
طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنفرها

کارتون خواب

آنجل بولیگان



پیشخوان

آنگاه برای بوشهر

«آنگاه» دهم با محوریت «بوشهر؛ دروازه مدار» در این روزهای کرونایی و با تصویر شاخص‌ترین چهره بوشهری، نویسنده داستان‌های برجسته ایرانی همچون تنکسیر و سنگ صبور، «صادق چوبک»، منتشر شد. در این شماره در یادداشت محمد بهشتی

در توصیف بوشهر آمده است: «بوشهر مثال یک شهر ایرانی در مقیاس ملی است همچون تهران. اندامی است از اندام‌های یکپیکری واحد که ایران می‌خوانمیش. مثل بوشهر در نسبت با فرهنگ ایرانی همچون کسی است که در توفان سهمگین

ویژه‌نامهٔ نوروزی اندیشهٔ پویا منتشر شد

عصر جدید طاعون

سال ۱۳۹۸ سال سختی بود... و اکنون نوبت دست‌وپنجه نرم کردن با قهر طبیعت و ویروس کروناست



تهایی بی‌هیا هو

گزارشی از زندگی احمد رضا احمدی

در آستانهٔ هشتادسالگی

گفت‌وگو با دوستان و یادداشتی از پرویز دواپی

آکادمی

ورقی از تاریخ پزشکی سرزمین ایران

بیمارستان سینا و کرونا



عبدالرضا ناصر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

آنجه در این جستار می‌آید به‌منظور ثبت در تاریخ پزشکی ایران نوشته شده است. نگارنده این جستار را به‌عنوان کسی نوشته که در بیمارستان سینا رشد کرده و اکنون نیز در این بیمارستان مشغول به کار است و از اینکه جزئی از جامعه این بیمارستان و به اصطلاح سینایی است، به خود می‌بالد. بی‌شک همین حس در سایر همکاران نسبت به جایی که در آن بالیده و کار می‌کنند نیز وجود دارد و چه خوب است همه از جایی بنویسند که در آن رشد کرده و کار می‌کنند. تاریخ پزشکی ایران متکی به همین نوشته‌هاست و اگر این کار انجام شود آینه‌دان سینا با کنجینه‌ای بسیار گران‌بها روبه‌رو خواهند شد. اکنون برای ما جای تاسف است که چرا بسیاری از پیش‌کسوتان و استادان بزرگ جامعه پزشکی خاطرات خود را ننوشتند و باعث شدند که بخش مهمی از زحماتی که برای پزشکی این مرز و بوم کشیده‌اند، نادیده باقی بماند. به هر صورت حالا هم دیر نشده و همه باید به انجام این مهم اهتمام بورزند. این روزها تمام بیمارستان‌های ایران درگیر اپیدمی بزرگ کرونایروس هستند. این اپیدمی شاید بزرگ‌ترین اپیدمی پس از اپیدمی ۱۹۱۸ (آنفلوآنزا) اسپانیایی) محسوب شود. بخشی از مشکلاتی که اکنون با آنها روبه‌رو هستیم به دلیل نداشتن تجربه و آموزش در برخورد با چنین شرایطی است. این تجربه با نوشتن ما منتقل می‌شود. اگر پیشینیان این کار را نکرده‌اند ما باید انجام دهیم. باید بنویسیم که چه کارهایی را انجام داده‌ایم. چه راه‌هایی را رفته‌ایم. اشکالات کارمان کجا بود و هزار موضوع دیگر که همه می‌توانند موضوع تحقیق و نوشتن باشند. من در اینجا از آنجه در بیمارستان سینا رخ می‌دهد، می‌نویسم. سایر همکاران باید از مراکز دیگر بنویسند. اگر این کار صورت گیرد تجربه‌های گران‌بهای بسیاری برای انتقال به نسل آینده تهیه خواهد شد، به غیر از اینکه تاریخ مدون پزشکی ما نیز پربارتر خواهد شد. نگارنده سعی می‌کند در یادداشت‌های دیگر با ابعاد جدیدی از نحوه رویارویی با بیمارستان سینا بنویسد. حتی نگاهی جزئی‌تر، مثلا کاری که بخش ام‌اس در این زمینه انجام داد نیز می‌تواند مفید باشد که نگارنده امیدوار است در آینده نزدیک آنها را نیز به نگارش درآورم.

چرا بیمارستان سینا مهم است؟
هر بیمارستانی مهم است زیرا در آن بیماران مداوا شده و از رنج‌های آنها کاسته می‌شود. بیمارستان سینا یکی از بیمارستان‌های اصلی دانشگاه تهران بوده که در خیابان امام خمینی نزدیک به میدان حسن آباد قرار دارد. بیمارستان سینا که ابتدا مریض‌خانه دولتی نامیده می‌شد، اولین بیمارستان مدرن ایران است. این بیمارستان در طول تاریخ شاهد وقایع مهم تاریخی بوده است و افراد مهمی مانند شهید مدرس، دکتر حسین فاطمی و دکتر سعید حجاریان هریک به دنبال سوءقصد به آنها در این بیمارستان بستری شده‌اند. حضور جناب پرفسور عدل در این بیمارستان نقطه عطفی نه تنها برای بیمارستان سینا بلکه برای کل پزشکی این مرز و بوم محسوب می‌شود. او که پایه‌گذار جراحی مدرن در ایران است بیمارستان سینا را به مهم‌ترین مرکز جراحی ایران تبدیل کرد. اکنون نیز به غیر از جراحی، بیمارستان سینا از مراکز اصلی در ام‌اس،



سردر جدید بیمارستان سینا



سردر قدیمی (میرضخانه دولتی)

در همان روز اول مشخص بود که بیماران بدحال نیاز به بستری در آی‌سی‌یو دارند. بنابراین یکی از ساختمان‌های سینا که دارای آی‌سی‌یو جداگانه بود، تخلیه و به بیماران مبتلا به کرونا تخصیص داده شد. مسئله بسیار مهم در این برنامه‌ریزی‌ها، حفظ سلامت پزشکان، پرستاران و سایر کارکنان بیمارستان است. برای همین تلاش بسیار در تهیه گان‌های مخصوص، عینک، ماسک و سایر تجهیزات محافظتی شد. اگرچه بیمارستان در روزهای اول با کمبود بسیار روبه‌رو بود، اما با تلاش همه‌جانبه تمام اعضای بیمارستان تا به امروز سعی شده تا آنجا که ممکن است کادر درمان در معرض آسیب و خطر قرار نگیرند. اینها بخش مهمی از فعالیت‌های انجام‌شده در بیمارستان سینا برای مقابله با این بیماری تا به امروز است. این تلاش‌ها ادامه داشته و نگارنده سعی خواهد کرد به‌صورت مداوم و با جزئیات بیشتر سایر اقدامات این بیمارستان را نیز گزارش دهد.

روایت

ترسیدن از کرونا خوب است اما به اندازه‌اش!

دکتر رضا پناهی

دستیار روان‌پزشکی مرکز روان‌پزشکی ایران

می‌گیرد، تصمیم‌های بهتر و درست‌تری اتخاذ می‌کند، اما ترسی مهیوم و مجبول ما را به سمت اضطرابی قدرتمند پیش می‌برد که نتیجه آن تضعیف سیستم ایمنی ماست. روی سخن با رسانه‌هاست (که امروز هر کسی برای خود یک رسانه است). به جای بزرگ‌ترکردن ترس مردم، به آنها آگاهی دهیم. آگاهی کمک می‌کند تا مغز با ارزیابی درست‌تر شرایط، بهترین تصمیم ممکن را بگیرد و گرفتار اضطراب ناشناخته‌ها نشود. مغز اگر منشأ ترس‌های خود را نشناسد، تصمیم می‌گیرد که بدترین حالت ممکن را در نظر بگیرد و در نتیجه یک سیکل معیوب در بدن ایجاد می‌شود. بنابراین اگر در اطلاع‌رسانی شفافیت نباشد، اتفاقا ترس‌های ما بزرگ‌تر می‌شوند. از نظر علمی (به مسائل دیگر کار نداریم)، بهترین کار مسئولان امروز، شفافیت است.

روایت

حضور در اماکن متبرک عامل شیوع یا شفا از کرونا



محمدجواد دانیالی
پژوهشگر دین

● شیوع بیماری کرونا در شهر قم، تصمیمات شورای تأمین استان و واکنش‌هایی که برخی از دست‌اندرکاران حرم حضرت معصومه و مردم نشان دادند، مسئله شفافگفتن از حرم‌های اولیای الهی را مورد توجه ویژه قرار داده است. چند نکته در این خصوص شایان توجه است:
۱. چگونگی انتشار ویروس با روش‌های تجربی قابل شناسایی است و خواص آنتی‌باکتریال نقره و سابقه چندقرنی معماری کهن اسلامی ایرانی و اینکه مصالح به‌کاررفته در این معماری خاصیتی ویژه در مقابله با انتشار بیماری‌ها ایجاد می‌کند، با همان روش تجربی موجود در علم همه‌گیرشناسی (Epi-demiology) قابل بررسی و نتیجه‌گیری است.
۲. روایتی درباره سرایت و عدم سرایت بیماری‌ها وجود دارد که تشخیص مقصود آنها و اعتبار سندی‌شان برای محققان علوم دینی قطعی و واضح نیست و البته ارتباطی نیز به فضای خاصی مانند حرم و غیر از آن ندارد. آنچه روشن است، فقیهان با استناد به این روایات روش خاصی در مواجهه با بیماری‌ها استنباط نکرده و همان روش عقلا را در رعایت مسائل بهداشتی تأیید کرده‌اند.

۳. در موارد بسیاری حقیقت و ظاهر امور دینی با هم اشتباه می‌شوند. دست‌کشدن یا نکشیدن به ضریح و درودیوار اماکن مقدس به خودی خود معنای دینی یا ضددینی ندارد تا منع از تماس دست با این ابنیه به دلیل رعایت مسائل بهداشتی واکنش برانگیزد و مخالف آموزه‌های دینی تلقی شود. مهم ارتباط قلبی و محبت به اولیای الهی است که در شرایط عادی به صورت بوسه بر ضریح و بناهای منسوب به ایشان جلوه می‌کند. همان‌گونه که عشق و علاقه مادر به فرزند با درآغوش‌گرفتن و بوسیدن او بروز می‌کند، اما در صورت ابتلای فرزند به بیماری مسری با وجود عشق و علاقه قلبی، مادر در نزدیک‌شدن به فرزند جانب احتیاط را رعایت می‌کند و این احتیاط ذره‌ای از علاقه او به فرزندش نمی‌کاهد.

۴. هرچند محدودکردن حضور در اماکن دینی مانع گسترش کرونا باشد، اما ارتباط قلبی مؤمنان با خدای متعال در این اماکن و آرامش و صفای قلبی که در نتیجه این ارتباط و توجه به دست می‌آورند و در نهایت سطح ایمنی بالاتر و توان بیشتر برای مقابله با بیماری مسئله مهمی است که نباید فراموش شود. این همان شفا و کرامتی است که به طور عینی در این اماکن مقدس در دسترس قرار دارد و هیچ جایگزینی برای آن نیست.

این خاصیت وابسته به لمس مصالح و ساختمان‌های این اماکن نیست، اما حضور در آن فضا قطعا بر توجه قلبی و طمأنینه‌ای که مؤمنان پیدا می‌کنند مؤثر است. این ارتباط با خدا طبق آموزه‌های قطعی اسلام بر سلامت و عافیت انسان بسیار مؤثر است.

به‌علاوه به گفته پزشکان و تحقیقات جهانی، آرامش و نداشتن اضطراب و استرس توان دفاع بدن در مقابل بیماری‌ها را افزایش می‌دهد و این خود عامل مهمی در جلوگیری از پیشرفت تلفات ناشی از ویروس کروناست. بنابراین در تصمیم‌گیری برای تعطیلی اماکن مذهبی به تأثیر منفی آن بر ترس و اضطراب مردم که در نتیجه ممانعت آنها رای عبادت در این اماکن به وجود خواهد آمد باید توجه داشت.

۵. حضور در اماکن دینی علاوه‌بر آرامش‌بخشی حاصل از عبادت و یاد خدا، کارکرد اجتماعی ارزشمندی نیز دارد؛ یعنی یکدلی و بالارفتن مشارکت اجتماعی در حل مشکلات.

چه‌بسا گفته شود کرونا مشکلی است که حل آن با مشارکت‌نکردن اجتماعی و خانه‌نشینی اتفاق می‌افتد، اما بهتر این است که ضمن رعایت تمام اصول بهداشتی در مواجهه افراد با یکدیگر، تدبیری اندیشیده شود تا اجتماعات ارزشمند و یکدل‌کننده افراد جامعه تعطیل نشود؛ چراکه انسان‌ها با مشاهده یکدیگر در یک جمع صمیمی، ترس و دلهره‌شان از وقوع یک بلای اجتماعی کاهش می‌یابد و یکدلی آنها برای حل مشکلات و ایجاد حرکت‌های جمعی تقویت می‌شود.

۶. در شرایط فعلی تمام نظرات و انتقادات درخصوص تصمیمات نهادهای مختلف، به جای خود قابل تأمل است، اما یکصدایی در تصمیم‌گیری‌ها برای نجات از معضلی مانند کرونا از هر مطلبی مهم‌تر و مؤثرتر است.

بنابراین تصمیمات مسئولان امر حتی اگر مخالف فهم ما در دین، مسائل بهداشتی و مسائل اجتماعی هم باشد و برخی تصورات نه‌چندان جدی دینی ما را نیز نادیده بگیرد، طبق دستورات مهم‌تر دین باید با تبعیت و اطاعت از آنها یکصدایی و انسجام را در جامعه پیاده کرد.